

میرزازین العابدین خان طیب، بزرگ و سرسلسله خاندان مؤتمن، باصالتی کاشانی در سال ۱۲۴۷ ق. (۱۲۱۰ ش.) در شهر تهران محله پامتار، گوجه حمام کاشانی ها دیده به جهان گشود (۱). او در اوآن کودکی نزد پدر خود میرزا محمد که از مستوفیان دربار و دستگاه دیوانی محمدشاه قاجار بود و از طرفی با کمک معلمین سرخانه به تحصیل علوم قدیمه، متون نظم و نثر و علوم ادبیه و عربیه اشتغال ورزید. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی علاقه ای وصف ناپذیر به فراگیری علم طب در خویش احساس و دیری نمی گذرد که در زمره محصلین مدرسه مبارکه دارالفنون پذیرفته می شود (۲). از این رو میرزازین العابدین خان کاشانی با همتی عالی نزد طبیبان استادی چون: علی اکبر خان ناظم الاطباء، حکیم کلوکه، حکیم پولاک و از

از شاگردان در رتبه او نیستند. این نوشته را بدون خلاف و ملاحظاتی غرض آمیز به او دادم... دکتر شلمیر هلندی نیز حق او را بهتر به جای می آورد و گواهی می دهد که میرزازین العابدین کاشانی مدت چهار سال است که بی اهمال درس تشریح و علم اعمال ابدان و شیمی حیوانی (۵) و امراض عمومی و مختصه و علم برادویه و ساختن آنها... را خوانده و مدرک و حافظه و علم و عمل او بیش از آن است که مقرب الخاقان حکیمباشی طولوزان اعتراف نمودند (۶).

با این وصف زین العابدین خان طیب در سال ۱۲۷۸ ق. پس از دریافت یک قطعه نشان طلا به منصب حکیمباشیگری کرمانشاهان منصوب و بعنوان طیب مخصوص دارالولایه کرمانشاه

## میرزازین العابدین مؤتمن الاطبا

### حکیم دربار ناصری

#### محسن روستایی

رهبان آن دیار می شود و از سر اخلاص به ایفای وظیفه مبادرت می ورزد (۷). در این ایام همواره از سوی عمادالدوله (امام قلی میرزا) (۸) حاکم ولایت کرمانشاهان به او فرصتی داده می شد که مالی یک بار برای سرکشی عهد و عیال و رفتن و رفتن امور به تهران بیاید. نقل است که وی روزگار پانزده ساله حضر و اقامت خود در ولایت گومانشاه را از بی حاصلترین دوران زندگی اش به شمار می آورد. زیرا که عمادالدوله مردی بی خیر و خسی النفس بود و در پرداختن حیره و مواجب حکیمباشی میرزازین العابدین خان از خود خجاست نشان می داد (۹).

با این وجود عمادالدوله در غیاب زین العابدین حکیم درمی یافت که چه مصیبت و معضل بزرگی گریبان بیماران ولایت کرمانشاه را فرا می گیرد. در عین حال برای همه مسلم شده بود که هیچ طیب دیگری نیز شایستگی جانشینی او را در علاج مرضی نخواهد داشت. چنانچه در سال ۱۲۸۵ ق. برای مدت کوتاهی میرزازین العابدین

مکتب دکتر شلمیر هلندی و حکیم طولوزان فرانسوی و ... بهره ها برد و در طب قدیم و جدید ایرانی و فرنگی به تلمذ می پردازد (۱۰). با گذشت چندین سال و تحمل رنج و مسارت بسیار میرزازین العابدین در سن ۳۰ سالگی (در سال ۱۲۷۷ ق.) از تحصیل طب فراغت می یابد و با استشهاد و تصدیق صاحب متعبان و طبیبان معروف فرنگی و ایرانی و با مهر تایید حکیم طولوزان به اخذ دیلم طب و پرداختن به شغل طبابت و شفای مرضی نایل می آید (۴).

حکیم طولوزان پس از اینکه در امتحان پایان دوره محصلین طب در مدرسه مبارکه دارالفنون حضور می یابد. دوباره میرزازین العابدین می گوید: در این روزها که این بنده در مجلس امتحان مدرسه مبارکه دارالفنون حاضر شدم و شاگردان طب جراحی و تشریح را در معرض امتحان در آوردم و تعیین مرتبه هر یک می شد. آنچه بعد از دقت بسیار بر این بنده محقق و معلوم شد، میرزازین العابدین در مرتبه اول شاگردان طب و جراحی و تشریح است و هیچ کس

حکیمباشی را روانه کنید. انترام از غلام گرفته شده است که دو روزه به خرم آباد برسد و با حکیمباشی دو روزه خود را به کرمانشاهان برساند. یک ساعت او را معطل ننموده به محض وصول این ملفوفه مشارالیه را روانه نمایید(۱۱)»

باری زین العابدین خان حکیم پس از چند سال تحمل سختی و ملازمت ولایات غرب کشور به تهران بازگشت و بعنوان طبیب مخصوص ناصری به دربار فراخوانده شد. صاحب کتاب مرآة البندان سرتوشت مهاجرت زین العابدین خان طبیب را از دارالولایه کرمانشاه تا دربار ناصری چنین بیان می کند: «که میرزازین العابدین وند میرزا محمد کاشانی پس از فراغت تحصیل مدتی مشغول خدمات محوله بود. برحسب خواهش مرحوم عمادالدوله نامور کرمانشاهان گردید. بعد از چند سال (۱۲۷۸ تا ۱۲۹۹ ق.) احقار به دارالخلافه شده در سلک اطبای حضور همایون منسلک (درآمده در گروه اطبا) و جزء اجزای حافظالصحه و به تصدیق جناب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در علم و عمل جراحی اول شخص است (۱۲)».

بدین ترتیب میرزازین العابدین کاشانی رفته رفته به طبیبی کامل و معالجهی ماهر مبدل می شد و در جمیع شعب این فن شریفانه نهایت حذافت را کسب می کرد. بخصوص در اعمال ید و جهات جراحی او طبیبی جامع مابین دو طریقه مشرق زمین و اروپایی بود. گذشته از نبحر در فنون اصلیه طبابت همگی او را در دینداری، نیک نفسی و خوشخویی از اقوان ممتاز عصر خود می دانستند(۱۳). ناصرالدین شاه هم او را مردی سلیم النفس و محرم می دانست و طبابت خاصه انیس الدوله (۱۴) سوغلی خویش را به او سپرده بود. گویا در سفر خراسان (۱۳۰۰ ق.) زین العابدین خان حکیمباشی به اشاره شاه و با مهارتی خاص چند عمل جراحی مهم را بر عهده داشته است. و مرضایی را که غده های بزرگ و مهبی سردست و گردن و دهان داشتند به خوبی معالجه کرد(۱۵). تا این اوصاف نامیراندین شاه قاچار در سال ۱۳۰۲ ق. طن حکمی این طبیب شایسته را به لقب «موتمن الاطباء مفتخر داشت و نیت خود را از صدور حکم و فرمان مزبور چنین بیان می کند.

«از آن جا که الطاف بلامتناهی شاهنشاهی مسیوق طباع سلیمه (۱۶) است و مصالح قلوب سلیمه به شارح صدور(۱۷) حسنه است و مفتوح ابواب بسته بر طبع مرحمت نبی (۱۸) ملوکانه واجب شمرده ایم. آنان را که به رتبت یافته این عهد مبارک و مخصوصاً در علم ابذان نشان حذافت و گوی سبقت از همگان ره بوده باشند به موهبتی شایان بین الامم (۱۹) و الاقوان (۲۰) مفتخر فرماییم. علیهذا نظر به ظهور نیاقت عالیجاه مجدث همراه مقرب الخاقان میرزازین العابدین طبیب کاشانی است که از اطبای مخصوص حضور ساطع النور (۲۱) همایون و به فرض قابلیت مستوجب بذل عنایت شاهانه است از هذ السنه قوی نیل سعادت دلیل (۲۲) مشارالیه به لقب موتمن الاطباء مهبی (۲۳) و مبلغ سیصد تومان اضافه بر مواجب سابق او فرمودیم که همه ساله اصلا اضافه دریافت و به نقل



حکیمباشی به ولایت خرم آباد و لرستان اعزام می شود تا به درمان مریضه و یکی از واستگان نزدیک حکمران لرستان بپردازد. متعاقب آن عمادالدوله در چهارشنبه ۱۷ ربیع الاولی با پریشان حالی و دل نگرانی طی نامه ای چنین می نویسد:

«مقرب الخاقان: سابقاً به جهت آمدن عالیجاه میرزا زین العابدین حکیمباشی غلام مخصوص به جاپاری امور کردیم. غلام معاودت کرد و مشارالیه بنا به نوشته ای که به نور چشم ارجمند کامکار صادم الدوله (۱۰) - حفظ الله نوشته بودید، ملاحظه کردیم از قراب معلوم احوال مریضه شما بهتر شده است و ما در این جا جمعی مریض داریم و وجود عالیجاه حکیمباشی لازم است. دستور العمل چهل روزه مریضه شما را بدهد و بدون مکث با این غلام مخصوص روانه بشود. ممکن است بعد از آن که آمد و مریض های این جا را معالجه کرد اگر به دستور العمل چهل روزه که داده است رفع ناخوش مریضه شما نشد، باز معاودت کند خیلی اوقات مبالغه است و می دانید که در این جا حکیمی که بتواند بعضی معالجات را از عهده برآید ندارد. بدون تردید و معطلی البته البته محض ورود این غلام باید

خدمات خود مواظب باشد. مقرر آنکه کتاب سعادت اکتساب شرح فرمان همایون رائیت نموده در عهده شتاستند. شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۰۲ (۲۴).

این حکم و دریافت لقب مؤتمن الاطبا برای زین العابدین خان طبیب در آغاز بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرد و مدتها گذشته بود و هنوز اضافه حقوقش را که از سوی شاه برای تمجید از خدمات او در نظر گرفته شده بود پرداخت نمی کردند. طبیب دربار از ناچاری به شاه شکایت کرد. ناصرالدین شاه هم با قیافه ای حق به جانب به او می گوید: «حکیمباشی دستخط با من است اما پیدا کردن محل (یعنی کسی باید بمیرد تا پول آن را برای تو جایگزین کند با از طریق بودجه یکی از ولایات پرداخت شود)» (۲۵).

بنابر دلایلی که شاید بر ما معلوم نیست بیماری سنگ مثانه در عصر قاجار بخصوص در عصر ناصری و پس از آن بوفور شیوع داشته و عمل و جراحی سنگ مثانه آن چنان اهمیت داشته است که صاحب کتاب العائنه و الاثر طبیبی را حاذق می داند که توانسته باشد از طبیبان فرنگی در مان و جراحی این بیماری را بخوبی آموخته باشد. در باب هشتم کتاب آمده است: «این زمان از حکیمباشیان خاصه شریفه کسانی هستند که بر آوردن سنگ از دکتراهای فرنگ گذشته اند به تخصیص معتمد الخاقان میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا نایب خاص دکنر طولوزان فرانسوی. از آن حمله است که هزاران سنگ بر آورده و یکی نموده است. البته این کار خیرسنگ مثانه به اهتمام دکنر یولاکی معلم علم طب در ایران دایر شد که مشاغلاییه به شاگردان خود بخوبی آموخته بود و خود او تقریباً در عرض یکسال ۲۳ سنگ مثانه بیرون آورده بود» (۲۶).

در زمان بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم فرنگستان هم مؤتمن الاطبا به ملترمین رکاب می پیوندند و در مسیر راه بارها بسیاری از ناخوشیها را درمان می کند و سنگ های مثانه چندان از همراهان شاه را بیرون می آورد. از قول شاه سیاح قاجار در کتاب روزنامه خاطرات در سفر سوم می خوانیم: «... سید ابوطالب روضه خوان سنگ مثانه داشت میرزا زین العابدین سنگش را در آورد. بعد از دو سه ماه بیضه هایش ورم می کند مؤتمن الاطبا بیشتر می زند احوالش خوب می شود و راست راه می رود ... میرزا علی خان هم پسرش سنگ مثانه داشت. زین العابدین حکیم آن را بیرون می آورد. میرزا علی خان سنگ مثانه پسرش را میان شیشه گذاشته بود. چیز کثیفی بود. در ۲۰ شهر ذی حجه الحرام (۱۳۰۶) هم چند روزی نواب گلین خانم نقاهت بسیار شدیدی داشتند به معالجه مؤتمن الاطبا به کلی بیمارش رفع شده» (۲۷).

در این که مؤتمن الاطبا در بر آوردن سنگ مثانه و درمان دیگر بیماریها مهارت و وصف ناپذیری داشته است شکی نیست ولی در مورد مواردی اندک هم به چشم خورده که حال زار بیمار آن چنان بوده که حتی عمل بی نقص او نیز در نجات مریض کارساز نبوده است. در کتاب گزارشهای نظمیة از محلات تهران حکایاتی نقل شده است که میرکلاب شاه نام بربری سنگ مثانه داشت روز قبل مؤتمن الاطبا

بیرون آورده بود. امروز فوت کرده است» (۲۸).

با گذشت زمان زین العابدین خان مؤتمن الاطبا تا سال ۱۳۱۳ ق. بر سر شغل خود پایدار بود. ولی پس از قتل ناصرالدین شاه بواسطه ضعف پیری و تغییراتی که در تشکیلات دربار پیش آمده بود، صلاح کار را بر آن دید که از خدمت حکیمباشی گری دربار کناره و تقریباً گوشه نشینی و انزوارا پشته کند. و فقط در مکتب (مطب) شخصی خود به درمان مرضی مبادرت ورزد. دو سال بعد بواسطه عارضه چشم و لزوم معالجه فوری مجبور می شود که به اروپا مسافرت کند، اما برای انجام این سفر دستش تنگ بود و به دنبال چاره می گشت. از قضا روزی که به حضور مظفرالدین شاه رسیده بود به عادت اینکه می بایست برای رفتن از شاه کسب اجازه کند موضوع رانایا شاه در میان گذاشت. شاه همیشه بیمار قاجار هم به پاس زحمات گذشته او در دربار و شفای مرضی، مبلغ بانصد تومان وجه نقد و عصای مرصعی که در همین حدود ارزش داشت به او بخشید و به این ترتیب مخارج سفرش تامین شد (۲۹).

افزون بر آنچه یاد شد از خاطرات خانوادگی مؤتمن الاطبا و اسناد مکتوبی که در دست است چنین برمی آید که در روزگار حیات این طبیب نامی، رجال شاخص و نامبرداری چون فرهاد میرزا مستعدالدوله (۳۰) عموی صاحب ذوق و ادیب ناصرالدین شاه و کامران میرزا نایب السلطنه (۳۱) با او از سرشوق و رضا حشر و نشر داشته اند. آنان بیشتر مجذوب شیرین زبانی و صحت نفس مؤتمن الاطبا شده بودند. نایب السلطنه کامران میرزا با اینکه طبیب حاذقی چون فیلسوف الدوله (۳۲) را در اختیار داشت. اما زین العابدین خان کاشانی را در سفرهای پیش آمده به خدمت می گرفت و با اعتقادی راسخ می گفت: من مؤتمن الاطبا را به خاطر طبابت و رفع بیماری ملازم و هم نشین خود نمی سازم بلکه این صحت نفس و منادی روح سلامت یافته اوست که مرا با او دوست و همراه ساخته است (۳۳).

در واقع نیز چنین بود. زیرا گذشته از آگاهی او از دقیق علم طب، در تاریخ و ادب و سیر حکایات و امثال و روایات دینی داشت و بسیار خوش سودا و شکر سخن می نمود. چه این حسن اخلاق و بلند طبعی و ذوق سرشار مرهون تربیت خانوادگی اش بود. که جمله گی اجداد و نیاکان او اهل شعر و ادب به شمار می رفتند. نیای او میرزا احمد شهید منخلص به صورت از مشیان و صاحب منصبان دربار نایب السلطنه عباس میرزا بود که سرانجام در جنگ های ایران و روس جان خود را در راه دفاع از حیثیت این مردویوم فدا کرد. و به همین دلیل به میرزا احمد شهید معروف شده است. در واقع میرزا احمد صورت از شعرای خوش قریه و سخن سنج زمان خود به شمار می رفته است. که شرح احوال او در کتاب روضه الصفا و مجمع الفصاحی رضاقلی خان هدایت به میان آمده است (۳۴). گفتنی است که از او دیوانی خطی نیز به جای مانده که به سبک شاعران دوره بازگشت ادبی سروده شده است (۳۵).

در حاشیه صفحه اول دیوان خطی صبور یک رباعی از شاعری

## مؤتمن الاطبا و مكاتب چهار گانه

البته مطلبی که می‌بایست به آن اشاره می‌شد، تشکیل مکتب چهارگانه که در این مجال و قسمت پایانی مقاله به چگونگی شکل‌گیری آن می‌پردازیم، ماجرا از این قرار بود که شعبه طب مدرسه دارالفنون در سالهای قبل از مشروطیت با تبعیت از اوضاع عمومی کشور قوس نزولی و انحطاط خود را طی می‌کرد. از طرف دولت چندان توجهی به مدرسه طب نمی‌شد و مدرسه هم اصولاً داوطلب زیادی نداشت زیرا اشتغال به حرفه طبابت راه نزدیکتری داشت (۲۲). دکتر حکیم اعظم که خود از شاگردان آن دوران است می‌نویسد: «کسانی تنها به چندی نسخه‌نویسی نزد استادان و حاضر شدن در محکمه آنان خود را پزشک دانسته بلکه دکتر نامیده و بدون هیچ گواهینامه رسمی پزشکی می‌کردند. بنده چون آموزش در دارالفنون و محکمه‌ها را کافی ندیدم رهسپار فرنگ شدم (۱۸۹۹) و پس از ده سال آموزش به ایران بازگشتم.»

از این اوان در مقابل شعبه طب دارالفنون مطب چهار نفر از اطباء میرزتهران در حکم مکتبی برای آموزش طبابت بود و همانطور که بیان شد چون در این چهار مکتب راه نیل به هدف که اشتغال به حرفه طبابت باشد کوتاهتر بود و حساب و کتاب و پروانه و جواز هم در کار نبود داوطلبان طبابت این راه را انتخاب می‌کردند و رنج تحصیل در مدرسه را بر خود هموار نمی‌ساختند و قدر مسلم این مکاتب تصدیق‌های چپایی هم گاهی به افراد می‌دادند. مکاتب خیارث بودند از مطب میرزا زین العابدین مؤتمن الاطبا - میرزا ابوالحسن خان بهرامی (۴۴) - میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا - میرزا سید حسن نظام الحکما (۴۵).

شیخ محمد طبیب تهرانی یکی از شاخه‌ها، فارغ التحصیلان و از جمله شاگردان مکتب اربعه (چهارگانه) به‌شمار می‌رود. که تصدیق‌نامه طبابت او بوسیله مؤتمن الاطبا و نظام الحکما (میرزا سید حسن خان) مهر و امضا شده است. از متن تصدیق‌نامه نیز برمی‌آید که شیخ محمد طبیب تهرانی در مطب آنان تلمذ دانسته است و سرانجام با اجماع این طبیبان نامی در سال ۱۳۱۶ق. برای شغل طبابت شناسیده و برگزیده شده است. حاشیه تصدیق طبابت او را نیز طبیبان نامبرداری چون شیخ الحکما - سلطان الحکما و سلطان الفلاسه موضح به دستخط و مهر طیبی خود نموده‌اند. در متن تصدیق‌نامه طبابت شیخ محمد طبیب تهرانی می‌خوانیم:

### انه هو الحکیم

جناب مستطاب فضایل و کمالات اکتساب صداقت و فطانت انتساب آقای شیخ محمد تهرانی مدتها در تحصیل علوم عربیه و ادبیه و تکمیل طب قدیم حد بلخ و سعی جزیل را به غایت قصوی رسانیده

نامعلوم و دستخطی از مرحوم زین العابدین خان مؤتمن الاطبا درباره او منتشر است که برای تأیید و تکمیل مطالب مطروحه فوق بیان آن خالی از فایده نیست.

ریاضی:

«استاد من آن شهره ایام صبور کو با غم دهر بود مادام صبور گردید شهید در ره دین که نبود می‌دید اگر شکست اسلام صبور»

میرزا احمد شهید سرهنگ فوج بهادران خاصه که مسلمان بود که در کتاب مرحوم مغفور نایب السلطنه عباس میرزا در دعوی ننگران (۳۶) با روسیه به درجه شهادت فایز شده و به خط خودشان این دیوان را نوشته‌اند. تحریراً فی عشر اخیر صفر المعظم ۱۳۲۲ق. این بنده درگاه میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا حکیمباشی نوشته شده است. - اللهم اغفرنا محمد و آله - (۳۷).

پدر میرزا احمد صبور، میرزا محمدعلی خان از متوفیان و مقربان دربار لطفعلی خان زند بوده که در زمان محاصره کرمان که به فرمان آغا محمدخان قاجار صورت پذیرفت و موجب استیصال حکومت زند شد، جان خود را بر سر وفاداری به لطفعلی خان از کف داد. گفتنی است که میرزا محمدعلی خان مستوفی برادر بزرگتر فتحعلی خان صبا ملک الشعرائی کاشانی شاعر معروف و صاحب سبک عصر قاجار و دوره بازگشت ادبی است (۳۸).

علاوه بر آن مؤتمن الاطبا با محمودخان ملک الشعرا (۳۹) نواده فتحعلی خان صبا دوستی و قرابتی خاص داشته که مجموع این خصوصیات و حالات و همبستگی‌های نسبی از او شخصیتی دوست‌داشتنی و قابل احترام به جای گذارده است. زین العابدین خان مؤتمن الاطبا در حاشیه دیوان خطی میرزا احمد صبور ادامه می‌دهد که دیوان صبور علیه الرحمه که میرزا احمد بن میرزا محمدعلی خان گفته برادر بزرگ مرحوم مغفور فتحعلی خان ملک الشعراست و خود مرحوم صبور برادرزاده ملک الشعراست و جد پدری این بنده درگاه میرزا زین العابدین خان حکیمباشی مؤتمن الاطبا می‌باشد (۴۰).

همان گونه که اشاره شد گذشته از خدمات درباری و دولتی مؤتمن الاطبا هر روزه در محکمه شخصی خود به انتظار بیماران محتاج می‌نشست و در کمال دلسوزی به معالجه آنان می‌پرداخت و گاهی نیز بیماران را که درمانهای طولانی و طویل‌المدت نیاز داشتند در منزل شخصی خود برای زمان نامعلومی نگه‌داری می‌کرد (۴۱). سرانجام مؤتمن الاطبا پس از روزگاری زحمت و تلاش برای درمان و شفای مرضی در سال ۱۳۲۶ق. از دنیا رفت و در سن ۸۰ سالگی جان به جان آفرین تسلیم نمود. اما قدر مسلم ذکر و یاد او همواره بخاطر عمل‌های شگفت‌انگیز سنگ‌منازه‌هایش که در بین اعیان جراحی بیشتر سبب شهرت او شده بود. سالیان سال میان مردم تهران و شاگردان مکتبش زنده و به یادگار مانده بود (۴۲).

## ترجمه خط حکیمباشی طولوزان فرانسوی

بنده درگاه معلم مدرسه نظامیه طبی پاریس و حکیمباشی شاهنشاه ایران شهادت می‌دهم که میرزازین العابدین کاشانی علوم متعلقه به طب و جراحی را با کمال و الکمال به دقت زیاد به اتمام رسانید بواسطه علم و حذاقت که اوست متعلم اول مدرسه مبارکه دارالفنون است و بر بنده معلوم است که جمیع شروطی که باید جراح و طبیب حاذق عالم داشته باشد در او مجتمع است. در دارالمخلافه تهران در شانزدهم آوریل ماه فرانسوی تحریر شد. سنه ۱۸۶۱ عیسوی

[مهر: طولوزان]

## ترجمه خط دکتر بیم‌زن اشتاین حکیمباشی دولت عثمانیه

بنده درگاه دکتر طبی و استاد جراحی معلم خانه دیانا و طبیب صحیه دولت عثمانیه مامور به دولت ایران شهادت می‌دهم که چندین دفعه در چند مجلس که با میرزازین العابدین کاشانی مکالمه طیب و جراحی و سایر علوم متعلقه به آنها نمودم بر من معلوم گشت و به درجه یقین رسید که علم و صداقت او در درجه تمام و کمال است و در عمل طبابت و جراحی حاذق و ماهر است و تواند که علم خود را در معرض عمل در آورد و به جهت این کمالات که درین طبیب جوان است بر ما لازم است که فهم و علم او را شهادت دهیم تا بوشیده نماند. تحریراً فی بیستم آوریل ماه فرانسه ۱۸۶۱ عیسوی

[مهر: او مهر: طبیب صحیه دولت علیه نزد دولت ایرانیه.]

## ترجمه خط دکتر شلیمر فلمنگی نوکر دولت ایرانیه

بنده درگاه به رضائیت تمام شهادت می‌دهم که میرزازین العابدین کاشانی مدت چهار سال است که بی‌اهمال درس تشریح و علم اعمال اندان و شیمی حیوانی و امراض عمومی و معتنه و علم برادویه و ساختن آنها را که در مدرسه مبارکه دارالفنون تدریس نمود خواننده و مدرک و حافظه و علم و عمل او بیش از آن است که مقرب الخاقان حکیمباشی طولوزان اعتراف نموده است و به جهت زحمتی که برده است بر ما لازم است که از خدا بخوایم چون از برای او و انشاءالله زحمت او بی‌اجر و نمر نخواهد بود و علاوه بر آنکه طبیی است عاظم و حذاق آن شاء... در مدرسه مبارکه ارو جود او تمرانی چند مترتب خواهد شد. تحریراً بیست و سیم آوریل ماه فرانسه سنه ۱۸۶۱ عیسوی [مهر (۴۸).]

در نزد بنده درگاه ترجمه خط حکیمباشی طولوزان و ترجمه خط دکتر بیم‌زن اشتاین و ترجمه خط خودم شده است بدون خلاف [مهر: شلیمر]

و چند سال است در محضر داهی دولت اید مدت قاهره و جناب جلالت مات اجل اکرم آقامیرزازین العابدین خان مؤتمن الاطبا دام اقبانه مشغول تحصیل و تکمیل علوم متعلقه به طب فرنگی از قبیل: فیزیکی و شیمی و فیزیولوژی و جراحی و کحالی و عمل بد و غیره بوده اند و پس از تکمیل تحصیل و امتحانات عدیده در مواقع مختلفه بارها مراتب علمی و عملی مشارالیه را تجربه کرده ام. در تمام شعب طب قدیم و جدید و اعمال آن فارغ التحصیل، بدین جهت الیوم الحق طبیی است بصیر و جراحی است خبیر که بطور شایستگی از عهده خدمات مرجوعه بتی نوع در موارد لازمه برمی آید. لامعضا! شهر شوال المکرم ۱۳۱۶، مطالب مسطوره مطابق واقع است. امهر: مؤتمن الاطبا] و [مهر: نظام الحکما (۴۶).]

در پایان مقاله بد ندیدم که چند سندی از استاد مهم مربوط به زین العابدین خان مؤتمن الاطبا را بازخوانی و تصویر آنان را عیناً درج نمایم. زیرا به نظر نگارنده استاد مزبور و بخصوص تصدیقنامه طبابت او از جمیع جهات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در تاریخ طب و تاریخ یکصد و پنجاه ساله اخیر ایران جای همچون سندی خالی است. و ظاهر و باطن سند گویای ناگفته‌های بسیاری است که ارائه آن برای اهل علم و تحقیق حکایت و نتیجه‌ای درخور رایه جنای خواهد گذارد:

## تصدیقنامه طبابت مؤتمن الاطبا

عالیجناب میرزازین العابدین بعد از آنکه مدتی نزد حکیم کاکرک و حکیم بولاک و سایر معتمنین تحصیل فنون طب و جراحی کرده بود و در مریضخانه دولتی بر حسب اذن اساذان معالجات کرده و دیده و زحمات کشیده مدت دو سال نیز نزد این بنده در تکمیل طب و جراحی و سایر علوم متعلقه بر آنها اهتمام کرده است و اعمال بدی خوب و بی‌خط از او ملاحظه شده و درین روزها که این بنده در مجلس امتحان مدرسه مبارکه دارالفنون حسب الحکم اعلیحضرت شاهنشاه عالم پناه روحی و روح العالمین فداء خدمت نواب اشرف والا شاهزاده آزاده وزیرالعلوم اقتصادالسلفته (۴۷) و جمعی از اکابر علم حاضر شدم و شاگردان طب و جراحی و تشریح را در معرض امتحان درآوردم و تعیین مرتبه هر یک می‌شد. آنچه بعد از دقت بسیار بر این بنده محقق و معلوم شده میرزازین العابدین در مرتبه اول شاگردان طب و جراحی و تشریح است و هیچ یک از شاگردان در مرتبه او نیستند این نوشته را بدون خلاف و ملاحظات غرض آمیزه او دادم تا مطمئن تمام بود او استعلاج شود و امنای دولت غنیه ادای حق زحمت او را لازم شمارند و شغل و عمل او را رواج دهند. هذا ما عتدی و الله اعلم بالصواب و عهده علم الکتاب تحریراً فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۷۷

[مهر: طولوزان]



اسنادی که در این قسمت به آنان اشاره می شود مربوطند به املاک و حق و حقوق ورثه مرحوم مؤتمن الاطبا که شامل فرزندان و همسران وی می شده است. این وارثین عبارتند از: حسینقلی خان - داوودخان و طویبی خانم که عرسه نامیردگان مادرشان میر خانم بوده است. و میرزا محمدخان مسیح اندونه (طیب) و ظاهره خانم از همسر دیگر مؤتمن الاطبا هستند که به او شاهزاده خانم می گفتند:

## سهم ارث حسینقلی خان و داوودخان فرزندان زین العابدین مؤتمن الاطبا

مثنی سند عیناً

سهمه آقای حسینقلی خان و آقای داوودخان از تقسیم خانه ها و باغ و دکاکین و حمام و کالسکه خانه مرحوم مفعول آقای مؤتمن الاطبا رحمه الله ا

آقای حسینقلی خان (...)

حیاط بزرگ به حدود اربعه ذیل:

حدی به باغ منگی منارالیهها به خانه عیال میرحسین - به دکان تونوفروشی - به حیاط کربلایی حسن  
 نصف باغ به انضمام تفاوت قیمت که علاوه شده به حدود ذیل:  
 حدی به خانه بزرگ - به باغ سهمیه آقای میرزا احمدخان - به حیاط و طویله آقاموسی - به طویله حاجی میرزا محمود خانه آقا میرزابابا

دکان صباغی به حدود ذیل:

حدی به شارع عام به دکان سمساری - به دکان تونوفروشی - به حیاط کربلایی حسن

حمام به حدود ذیل:

حدی به خانه بزرگ - به دالان خانه بزرگ - به خانه ملک آرا - به مطبخ خانه بزرگ و خانه آقاموسی طلب دو برادر مزبور فوق (...)

مجلات عیناً

این تقسیم صحیح است و موافق قانون شرع انور مابملک مرحوم مؤتمن الاطبا تقسیم شده و املاک فوق سهم جنابان حسینقلی خان و میرزا داوودخان شد. فی شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۷ (نظام الحکما)

هو

ورقه در کمال صحت و اعتبار است. حرره الاحقر الحاجی

کمال الدین الموسوی (... (کمال الدین الموسوی)

بسم الله تعالی صح ما فی انورقه کما سطره (التراجی عبدالسی) سهم مرقوم بعد از وقت تام در حق این دو خان مکرم به قصد صلح لازم باسقاط خیارات تعیین شده فی غره جمادی الثانیه ، بالاخانه روی دکان داخل است در این سهم (محمدتقی)

زین العابدین خان مؤتمن الاطبا، همراه با فرزندان

سمت راست: داوودخان مؤتمن - حسینقلی خان - محمودخان

مسیح الدوله مؤتمن و خودکی الطیب از بیماران مؤتمن الاطبا

بسم الله تعالی

این ورقه در کمال صحت و اعتبار است حرره الاحقر محمدتقی المدرس النهاوندی ۱۳۳۱ (الوائق بالله الغنی عبده محمدتقی)

این تقسیم صحیح است. طویبی (۴۹)

## تعیین مهریه حواخانم همسر مؤتمن الاطبا

از تمام وراثت مرحوم میرور حکیمباشی طاب نراه و سایر اقوام و غیره استنهاد و استعلام می رود. البته اکثرآ از آقایان اقوام مطلع و مستحضرنند که مرحوم میرور میرزا محمد والد مرحوم حکیمباشی سه دانگ از حیاط بزرگ ملکی خود را مهریه و صدق مرحومه حواخانم عروس خود که والده آقای حسینقلی خان و آقای داوود خان بود قرار

داده است. نظر به اینکه مهرنامه‌یچه فعلاً موجود نیست در مقام تصدیق برآمده استعمال می‌نماید هر یک از آقایان اقوام و طبایفه اناثاً ذکوراً بر مراتب مسطور در اطلاع و استحضار دارند مستدعی است شهادت خود را کما هو حقه بدون هیچ ملاحظه در این درقه مرقوم و به خانم شریف مختوم فرمایند که عبدالحاجه حجه باشد. (امضا ۵۰)

### مال المصالحه منعقدہ مابین ورثه مؤتمن الاطبا (داوودخان و همسرش)

و بعد منظور از تحریر و تطویر این کلمات شرعیه اندلالات آنکه حاضر گردید در محضر شرع مطاع لازم الاتباع تهران جناب جلالت ماب اجل آقامیرزا داوودخان مؤتمن دام اقباله خلف مرحوم سرور خلد آشیان میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا طاب ثراه در حالت اجتماع کافه شرایط معتبره در صحت انشاءت شرعیه بانطوع و الرغبة و الاختیار من دون الاکراه و الاجبار.

و بعد الحضور مصالحه صحیحیه شرعیه قطعیه مجاباتی نمود با زوجہ دائمه خود مخدره محترمه بتول خانم دامت شوکتها صبه مرضیه مرحوم مغفور فتح الله خان کاشانی طاب ثراه بر تسلیک همگی و نسامی سه دانگ از کل شش دانگ حیاط مسکونی خود و همگی و تمامی سه دانگ از کل شش دانگ حیاط باغ پشت حیاط مسکونی ملکی متصرفی خود را واقع در باغمتار در کویچه حمام کاشانی ها محدود به حدود اربعه ذیل السطر با کافه ملحقات حدود حیاط مسکونی، شرق به خانه ورثه حاج آقاموسی تاجر مغرب به حیاط آقامیر حسین خان شمال به باغ که مورد مصالحه است - جنوب به حمام میرزا فرج الله خان ده دشتی.

حدود حیاط باغ، مشرق به حیاط زینتده خام، مغرب به باغ آقای دکتر مسیح الدوله اخوی معظم له - شمال به حیاط ورثه میرزا بابای کاشانی وطویله ناصر انولیه - جنوب به حیاط مصالح که مورد مصالحه است شرعیه و عامه متضمنات عرفیه آن من الممر و المدخل و مشرب و جذران و حبطنان و ابواب و اخشاب فوقانی و تحتانی و درب و پنجره و عرصه و اعمان و جمیع مضافات و منسوبات آن ذکر ام تم بذكر و سمي ام بسم من دون الاشياء به همان نسبی که مانگ و مصرف بود در عوض و من المصالحه مبلغ پنج شاهی یون نیکی و مقداریک سیر نیات معمول بهران

المعمر مروهین فی مجلس العقد و پس از جریان صیغه اسقاط کافه خیارات به عمل آمد و در ضمن عقد خارج لازم شرعی منضم گردید مصالح معزی الیه بر اینکه چنانچه از تاریخ دین لغابت پنجاه سال دیگر کشف فسادی در مصالحه مرقومه شود که مصالحه عنه مستحقاً للعبیر برآید.

کلام بعضاً عیناً او منفعه عینی قدر ما ظهر فسادہ از عهده خسارات و غرامات و ضرورات وارده بر متصالحه مشارالیها برآید و

جميع لوازمات و مقتضیات عقد مصالحه از طرفین به عمل آید. فعلیهذا تمامی غرضه و اعیان با تواریح سه دانگ حیاط و سه دانگ باغ محدودہ فوق گردید منک، طلق و حق صدق مخدره متصالحه مزبورہ و برادر است انجای تصرفات مانگانه در آن که تصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و صیغه مصالحه شرعیه قطعیه مجاباتیہ فارسیه و عربیه کما فزت فی الشریعه المعطره ایجاباً و قبولاً جاری و واقع گردید و آن وقوع و تحریر ذلک فی ششم شهر رمضان المبارک ۱۳۴۸ مطابق ۱۷ بهمن ماه ۱۳۰۸ شمسی

(مهر و امضا داوود)

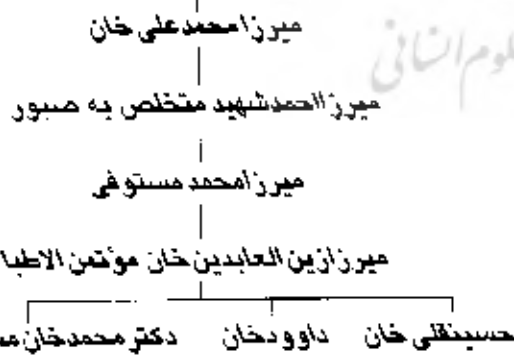
توضیح آنکه در صورتی که فسادی در مورد مصالحه مسطورہ ظاهر شود کلام بعضاً عیناً منفعه علاوه بر رد قسمت مظاهر فسادہ از عهده غرامات وارده بر متصالحه برآید. بتاریخ المتن ۱۳۴۸ (مهر و امضا)

احوائی: ۱- بسم الله خير الاسماء قد وقع تمام مارقم و ماسطر فی الورقہ من الید والی الختم لادی تحریراً فی ۶ شهر رمضان المبارک ۱۳۴۸ (مهر: حسین بن حسین) ۲- بسم الله الرحمن الرحيم - قد وقع التصالح المعروف حیما فصل فی المتن وانها من لادی فی مصالحه ۶ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۴۸ الا حقا ابو القاسم الحسینی الکاشانی، سنه ۱۳۴۸

(مهر: ابو القاسم بن مصطفی الحسینی) ۳- معامله مرقوم صحت اقل الحاج محمد هادی [مهر] ۴- معامله در متن صحیح است: سید مهدی (۵۱)



### نسب نامه خاندان مؤتمن



و نسل ذکر مرحوم مؤتمن الاطبا به حکم تقدیر به همین جا ختم می‌شود. (به نقل از جناب آقای زین العابدین مؤتمن نوه زین العابدین خان مؤتمن الاطبا)

## یادداشت‌ها:

۱. این کوچه در محله پاستر امروزه با شکل و شمبلی متفاوت و به دور از خاطرات تاریخی آن به نام کوچه نوری زاده نامگذاری شده است. جناب آقای زین العابدین مؤمن نو، مؤمن الاطیبا معتقدند که قبل از اینکه این کوچه به نام کاشانی هانامید، شونده به کوچه مؤمن الاطیبا معروف بوده است. ۲. مطالب مطروحه برگرفته از دستنوشته‌ها و مطالبی است که معلم و استاد ارجمند جناب آقای زین العابدین مؤمن فرزند مرحوم داوودخان مؤمن و سوه مرزا زین العابدین مؤمن الاطیبا در نشستی صبی که در تاریخ ۱۹۵۹/۱۳۷۹ در منزل ایشان صورت پذیرفت، در اختیار نگارنده قرار دادند با مپاس فروان از ایشان.

۳. زین العابدین خان طبیب، علاوه بر افرادی که برشردیم، معلمین دیگری نیز داشته ولی بیش از همه دکتر پولاک و حکیم طولوزان نسبت به سایرین سرگردن او حق معلمی دارند و اما:

الف - ناظم الاطیبا علی اکبر خان نفیسی، فرزند میرزا حسن طبیب کرمانی است که در سال ۱۲۶۳ق. در کرمان به دنیا آمد. علوم مقدماتی متداول زمان خود را در کرمان و در نوره سالگی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علوم جدید و طب پرداخت. وی در سال ۱۲۸۹ از طب دارالفنون فارغ التحصیل شد و سال بعد به ریاست مریم‌خانه دولتی پذیرفته شد. وی حکیم‌باشی دربار ناصری، مظفری و رئیس دارالشفای آستان مقدس حضرت رسامیز بوده است. از او آثار ارزشمندی به جای مانده که از همه مهمتر فرهنگ نفیسی (ناظم الاطیبا) می باشد. مورخین درگذشت او را در خرداد سال ۱۳۰۳ق. در ۷۹ سالگی ذکر کرده اند.

ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ‌بینداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ق. ص ۲۱۲. و نیز بنگرید به مقدمه فرهنگ نفیسی، تهران، خیام، به قلم محمدعلی فروغی.

ب - دکتر ارتست کلوکه (Cloquet) طبیب نامی فرانسوی در بهار سال ۱۸۲۶ به ایران آمد و پزشک دربار محمدشاه قاجار شد و پس از مرگ وی و جلوس ناصرالدین شاه کلوکه همچنان به عنوان طبیب دربار باقی ماند. کلوکه به دستور ناصرالدین شاه برای آنکه تحولی در وضع طبابت و تحصیل طب بوجود آورد، در تهران تدریس طب می کرد و جلسات درس او جدا از دارالفنون بود. وی پس از مدتی زبان فارسی را خوب آموخت و بدین زبان آسان و روان صحبت می کرد، دکتر کلوکه در ماه شوال ۱۲۷۱ق. با دختر جوانی از ارمنه تهران ازدواج کرد و پس از گذشت چند روز از این وصلت، سم مهلکی را به جای شراب خورد و بلافاصله بعد از چند ساعت درگذشت و در کلیسای قدیمی طاقان‌دوس تهران دفن گردید. بنگرید به: سیریل الگور، تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه باهر فرغانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ق. ص ۵۵-۵۶. همچنین بنگرید به: ناصر پویان، کتاب گیلان، فصل بهداشت و درمان، تهران، ۱۳۷۳ق. ص ۵۲۲.

ج - حکیم پولاک، دکتر باتکوب ادوارد پولاک (Jacoub Edward Polak) از مردم آلمانی متولد وین و از استادان و دانشمندان برجسته دارالفنون بود. در سال ۱۲۸۵ق. بیمارستانی به شیوه اروپا در تهران تأسیس شد و سرپرستی آن بر عهده وی گذاشته شد. پس از او دکتر شلیسر هلندی رئیس بیمارستان گردید. دکتر پولاک در مدرسه دارالفنون جراحی تدریس می کرد و نخستین پزشکی است که در ایران به تدریس علم تشریح پرداخته است. از وی آثار بسیاری به جای مانده که از آن جمله می توان به کتاب تشریح بدن انسان، اشاره نمود. وی پس از ده سال اقامت در ایران به کشورش بازگشت و در آن جا کتاب (میران سرزمین و مردم ایران) را تألیف کرد... بنگرید به: محمد مهدی موحّد، زندگینامه شاعر، رجال پزشکی معاصر ایران (۱) تهران، موسسه نشر علوم و فنون، ۱۳۷۱ق. ص ۱۳۴. همچنین بنگرید به: حسن ناچ بختی، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ق. ج دوم، ص ۵۷۸ و ۵۷۹ و نیز بنگرید به: سفرنامه پولاک، ترجمه یکباووس جهانمندی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

د - دکتر شلیسر: Dr. yoh. I. Schlimmer تحصیل کرده لندن (London) هلند پس از دکتر پولاک برای معلمی دارالفنون انتخاب گردید. وی سال ورود خود را

به ایران ۱۸۵۱ (سال بنای دارالفنون) ذکر نموده می نویسد: دو سال در حلب بوده و از راه بغداد به ایران آمده است. در مورد او سخن بسیار است. همین که شلیسر طبری بسیار دانشمند و دارای مطالعات عمیق در طب قدیم ایران بخصوص کتب فارسی بوده است. از او آثار فراوانی به جای مانده که مهمترین اثر طبی وی فرهنگ پزشکی معروفتر است. در برخی از منابع تاریخی، تاریخ مرگ دکتر شلیسر را سال ۱۲۵۹ق. و محل دفن او را گورستان بوستانهای آذربایجان نوشته اند. محمد تقی سرمدی پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان... تهران، امرمادی، ۱۳۷۸ق. ج دوم، ص ۱۳۷-۱۴۰.

ه - حکیم طولوزان: پس از فوت دکتر کلوکه (بارتلمی) (Banhelemy) و بعد از او دکتر طولوزان (Joseph Desir e Thotozen) از فرانسه به تهران آمد و رئیس پزشکیان ناصرالدین شاه قاجار شد. وی در سال (۱۲۶۳ق. ش) وارد ایران شد و از آن تاریخ به سمت او اصلاحات قابل توجهی در درمان و بهداشت عمومی به وجود آمد. در نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا دکتر طولوزان از ملاریمین و همراهای شاه بود. طولوزان شخصی فعال و محنتی ناپذیر بود که در نقاط مرزی مهم ایران قرطبیه ایجاد کرده و اکسایشون عمومی را که دکتر کلوکه آغاز کرده بود ادامه داد. از وی دو کتاب معروف به نام بدایع الحکمه ناصری با بدایع الحکمه مسیح به جای مانده است. دکتر طولوزان در خیابان لانه زار به طور ساده زندگی می کرد. و نازمانی که به کشورش بازگشت در همین خیابان حلوت و دنج سکونت داشت. برای اطلاع بیشتر در مورد طولوزان بنگرید به: روزنامه شرف، نمره سی و پنجم، شهر محرم الحرام ۱۳۰۳ق. ص ۱۶۱ و ۱۶۲. و نیز به: پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان، همان، ص ۱۲۷.

۶. بنگرید به: استشهاد و تصدیقی که صاحب منصبان و طبیبان معروف و معلمین مدرسه طب دارالفنون در باره مؤمن الاطیبا مهر و امضا کرده اند. اصل این سند و بازخوانی آن در پایان مقاله عیناً مندرج شده است. سند مزبور که بسیار ارزشمند تر است. از جمله اسناد خانوادگی جناب آقای مؤمن انوه مؤمن الاطیباست که با رغبت و وصف ناپذیری آن را در اختیار این جانب قرار دادند. همچنین بنگرید به تراجمی دانشکده پزشکی، داروسازی، بیمارستانها و آموزشگاههای وابسته، تهران ۱۳۳۲ق. ص ۵۴ و ۵۵.

۷. شیمی حیوانی: احتمالاً منظور همان شیمی آلی است. و بحث ترکیباتی است که بدن گیاهان و جانوران را تشکیل داده اند. و یا منظور اسعاده از اعضا و جوارح حیوانات است در درمان بیمارها و بهر گیری این اعضا در ترکیبات دارویی. بنگرید به: فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ج دوم، ص ۲۱۵.

۸. بنگرید به: سند و استشهاد طبابت مؤمن الاطیبا، گفته‌های حکیم طولوزان از متن اصلی سند و مطلب دکتر شلیسر از حاشیه سند مزبور استخراچ شده است.

۹. روزنامه دول علیه ایران، نوزدهم ربیع الثانی، مطابق سال تخاوی شیل ۱۲۷۸ق. نمره ۵۰۲، ص ۲۵۳.

۱۰. امامقلی میرزا عمادالدوله پسر ششم محمدعلی میرزا دولتشاه پسر اکبر قاجاری شاه در حدود سال ۱۲۳۰ق. متولد شده و در نیمه رجب ۱۲۹۱ق. بزدور زندگی گفته است. در سال ۱۲۶۸ق. به حکومت کرمانشاه منصوب شد و در سال ۱۲۹۶ق. منقلب به عمادالدوله شد. در سال ۱۲۷۵ق. که خانلر میرزا احتشام‌الدوله هموزاده او از حکومت لرستان معزول و به حکومت اصفهان منصوب شد. حکومت لرستان ضمیمه حکومت کرمانشاه شده به عهده عمادالدوله واگذار گردید. در سال ۱۲۹۰ق. که عده‌ای از وزرا عزل گردیدند، عمادالدوله برای اولین بار داخل هیأت وزرا گردید (به جای محمد تقی خان قاجار دولو آصف‌الدوله به وزارت دادگستری برگزیده شد) و تا اوایل سال ۱۲۹۱ق. در این سمت باقی بود. در این سال به جای طهماسب میرزا موبدالدوله برادر مهتر خود به سمت حکومت کرمانشاه و کردستان منصوب و روانه گردید. عمادالدوله پسر خود بدیع‌الملک میرزا که ملقب به حشمت‌السلطنه شده بود از جانب خود به حکومت کردستان فرستاد پس از درگذشت عمادالدوله (۱۲۹۲ق.) حشمت‌السلطنه به جای پدر به حکومت کردستان و کرمانشاه منصوب گردید. عمادالدوله مجموعاً بیست و چهار سال تمام در حکومت کرمانشاه باقی بود. مسجد عمادالدوله و بازار زر گها و



عمادیه ساختمانی که بر روی چشمه اصلی طاق بستان بنا گردیده بود و اکنون اثری از آن بر جای نمانده از آثار عمادالدوله است. وی خطی خوش و شیوای مخصوص در کتابت داشت. هرزیبگلری، تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار به انضمام اسناد و مدارک تاریخی ... کرمانشاه، طاق بستان، ۱۳۷۴، ص ۱۹۸.

۹. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن نوه میرز زین العابدین حکیمیائی.

۱۰. هارم الدوله، فرزند امامعلی میرزا عمادالدوله حکمران کرمانشاه.

۱۱. آرشبو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوط به زین العابدین مؤمن الاطیاء، برگرفته از سندی که مهر عمادالدوله در کنار سطر اول آن نقش بسته است.

۱۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة الیلدان ... به کوشش عبدالحمید نوبی، هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج دوم، سوم، ص ۱۱۱۸.

۱۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، المآثر و الآثار، به کوشش سراج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷.

۱۴. ایس الدوله، از زمان مورد توجه همسر سوگلی ناصرالدین شاه بوده است. وی چون زن عاقله، مدبره و زبیرکی بود در نزد ناصرالدین شاه خیلی توفی کرد و طرف توجه واقع و خیلی مشخصه شد و در زمان حیات خود دارای دم و دستگاہ و تملک ریاضی شد و سرآمد تمام زنان شاه گردید تا آنجا که به عنوان شهبانوی معتبره در بعضی اوقات مشاور شاه بود و او را زاهدیایی و نصیحت می کرد، وی در بسیاری از سائل مهم دربار که در سیاست داخلی و خارجی ایران نقش نسبتاً مهمی را ایفا کرده دخالت داشت است. از جمله: ایس الدوله از سوی ناصرالدین شاه دستخط و حکمی داشته که از حاکم های فونگی دربار بذبوی و در این حیثتها جالبه گفتنی هزینه می کرده است. در تاریخ ۵ جمادی الاول ۱۲۱۱ق. اعتمادالسلطنه از سوی ایس الدوله مامور می شود نامه سفیر روس، پیام تسلیی در باب مرگ امپراطور روس و الکساندر سوم ابلاغ کند. همچنین می گوید: ایس الدوله در مرتکازی میرزا حسین خان سپهسالار از عاملان اصلی بوده است. نقل است که در حرمسرای ناصرالدین شاه دو زن قدرتمند یعنی ایس الدوله و امیبه اقدس، بر بقیه زنان حرمسرای بامت داشتند و محور تمام حوادث اندرون بودند. هر کدام از این دو زن، دارو دسته ای تشکیل داده که همه، هر کدام از آنها بی اعتبار ساختن دیگری و تثبیت موقعیت خود در نزد شاه بود ... ایس الدوله از صیغه های ناصرالدین شاه بود و چندبار خواست او زاده عداد زنها، عقدی خود در آورد که این بانو از وی نند و می گفت آن ساعتی که من در شمار زنان صیغه شاه در آمدم ساعت سعد و نیکی بود از این جهت رضایت نداده که به عقد دائمی شاه بماند. فرد گوزن در چند نام کتاب ایران و قصبه ایران تألیف، خود درباره ایس الدوله چنین می گوید: ایس الدوله دختریک اسپانیا شمیرونی است که بر حسب اتفاق یک روز به مکتب همایونی بر خورده و شاه و ادبناخته خود کرده و اکنون فرمانروای مهورا می باشد. همین ایس الدوله بود که از میان تمام زنان شاه برای مسافرت فرنگستان انتخاب شد و تا مکتب هورادرت سپس از مسکو به ایران باز آمده. بنگرید به: بشری دلریش، زن در دوره قاجار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸ و ۲۲۳. و نیز بنگرید به: فریروزحجیائی، اصل، زنان نامدار تاریخ ایران، تهران، زوار، ۱۳۷۵، ص ۶۱ و ۶۶.

۱۵. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن نوه مؤمن الاطیاء که این مطلب را از پدرشان مرحوم دادو خان مؤمن شنیده اند.

۱۶. طابع سلیمه، سرشت های پاک و سالم شده.

۱۷. تاریخ صدور: گستراننده پهای سینه های مردم.

۱۸. امیج: جویشیدن آب از چشمه، ظاهر شدن امری از کسی (در ره نیش بود بسته چه غم تو همی جوشد ز خانه دمدم) به نقل از: لغتنامه دهخدا، دوره جدید، ۱۳۷۳.

۱۹. بین الامالی: میان همسرخان، همسران و همفکران و هم اندیشان بودن.

۱۰. اقربان: همسران و نزدیکان و همایگان. (فرهنگ تفسیری، ناظم الاطیاء ج سوم، ص ۱۸۸۷).

۱۱. سلطام النور: هویدا کنند و برافراشته نور و پاهی.

۱۲. سعادت دلیل: شان اقبال و نیکبختی.

۱۳. مینایی: کلمه اصالت عربی دارد به معنی: فخر کننده و سرافراز.

۱۴. آرشبو سازه ان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوط به مؤمن الاطیاء، منظور تفریح و فرمان دربار ناصری که زین العابدین خان طیب را ملقب به مؤمن الاطیاء دانسته است.

۱۵. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن.

۱۶. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران ... همان، ج اول، ص ۱۱۱.

۱۷. بنگرید به: روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (۱۳۰۶ ق. به کوشش محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاصد تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۳، کتاب سوم، ص ۱۶ و ۳۳۳، ۵۲۹ و ...).

۱۸. گزارشهای نظمه از محلات طهران ... به کوشش انسیه شیخ رضایی - شهلا نوری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷، ج دوم، ص ۲۵۲.

۱۹. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن.

۲۰. فرهاد میرزا: معتقدالدوله، پسر نهمدهم عباس میرزای نایب السلطنه، در حمدای الاول ۱۲۳۳ق. متولد شد و در ۱۳۰۵ق. در تهران در گذشت.

مفتی، التشرای بهار در قصیده ای که در رثای او سروده در بیت آخر می گوید: «کریه بی غلغل جای جو از هجرت رسول - بگذشت سال سبصد و پنج از پس هزار» فرهاد میرزا در جوانی همراه پدر به آذربایجان رفت و در تبریز به تحصیل علوم پرداخت. در هفده سالگی (۱۲۵۱ق.) از طرف محمدشاه به نسبت امور خوزستان و آرسنان نامزد شد و در سال ۱۲۵۳ق. که شاه عازم حران بود او را در مرتبه به نمانت سلطنت گماشت. در هفت سال نایب الایاله فارس شد و در سال ۱۲۸۲ق. نیز به مدت شش سال حاکم کردستان و همدان بود. قبل از آن هم حکومت لرستان را در اختیار داشت. در سال ۱۲۹۲ق. نایب اجازه از ناصرالدین شاه عازم مکه معظمه شد و نتیجه و ره آورد این تصدیم، سفرنامه ایست که به چاپ رسیده است. شخصیت علمی و فرهنگی فرهاد میرزا بیشتر جانب توجه است و از او آثار دیگری بنام کتبات حساب، مقام زحار و مقام شاد در مقتل حضرت حسین (ع)، مناشات، جام جم، کشکول ربیب و نصاب انگلیسی به فارسی، مرکب از دو هزار کلمه به حای مانده، در هاد میرزا فریحه و اشتداد شاعری نیز داشته و شاه قول مورخین وی یکی از چهار نفر شاهزاده و افضل زوره قاجار بوده است.

فرهاد میرزا بعد از عسری اقامت و کوشش در سیاست و ادب به سال ۱۳۱۵ق. در تهران در گذشت و جنازه اش یک سال بعد با تشریفات خاصی از تهران به سمت عقبه مقدسه کابلین حمل و در مقبره مخصوص مشهور به مقبره فرهادیه مدینه انگردید. بنگرید به: مقدمه سفرنامه فرهاد میرزا، تصحیح و تفسیر، غلامرضا طباطبائی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۹-۱۱.

۳۱. کامران میرزا پسر سوم ناصرالدین شاه ملقب به نایب السلطنه و امیرکبیر و دارای سمعت و زور جنگ و رئیس کلی قشون و ضامن حکومت تهران و چند حکومت و ایالت دیگر ایران نیز سالها زیر نظر وی بوده است. کامران میرزا در سال ۱۲۷۲ متولد و در سال ۱۲۷۷ق. در سن شش سالگی به جای فیروز میرزا نصر الدوله (فرمانفرما) به معاونت پاشاخان امیر المملکت حاکم تهران شد. در سال ۱۲۸۳ق. که ناصرالدین شاه عازم سفر خراسان بود کامران میرزا نایب السلطنه زاده غائب خود در سن یازده سالگی به نیابت خویش منصوب نمود. سخن در مورد او بسیار است اما آنچه که گفتنی است اینکه او زبان فرانسه و قدری آلمانی را می دانست و بیشتر عمر خود را نیز به حوشگداری سپری نموده است. آخرین منصب او استانداری خراسان بوده که پس از عزل مدعی در بیکاری و گرفتاری بگذری نفس بسر برد تا سرانجام در سال ۱۳۰۷ق. در سن هفتاد و پنج سالگی در تهران در گذشت و در حضرت عبدالعظیم در مقبره ناصرالدین شاه به خاک سپرده شد. برای اطلاع بیشتر دو مورد کامران

میرزا بنگرید به مهدی بامداد، شرح حال و حال ایران ... تهران، زوار، ۱۳۷۱ ح سوم، ص ۱۲۹-۱۶۱

۳۲. میرزا کاظم قلیسوف الدوله رشتی (ملک الاطباء) در زمان سلطنت محمدشاه قاجار در یکی از خانواده‌های معروف و سرشناس رشت دنیا آمد. وی پس از رشد و نمو و سپری نمودن علوم مقدماتی در محضر حکیم‌بانیان معروف به کسب معلومات علمی و عملی در شعبه طب نمود، وی پس از چندی به تهران رفت و در کنار حسین خان اصفهانی طبیب مخصوص محمدشاه و سپس ناصرالدین شاه شد. وی از مردان نیکوکار و خیر نیز بوده و قسمی از املاک خود را وقف امور خیریه نمود و مدرسه‌ای به نام مدرسه قلیسوف در میدان‌ساحل تهران ساخت. میرزا کاظم قلیسوف الدوله بعد از صد و بیست سال عمر و هشتاد سال خدمت در دیار و ممالک بیه‌بران دارفانی را وداع گفت. از بهترین آثار او می‌توان به کتاب حفظ‌الصحه ناصری اشاره کرد که به دستور ناصرالدین شاه نوشته شده است. (مجله جهان پزشکی، سال دوازدهم، شماره دوم، ص ۱۷۱ و ۱۷۲)

۳۳. به نقل از خاطرات خانوادگی جناب آقای زین‌العابدین مومنی.

۳۴. رضائی خان هدایت، مجمع‌الفضلاء به کوشش مظفر مصفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۰، مجلد دوم، ص ۶۸۸ و نیز: روضه‌الصفای ناصری، تهران، خیا، ۱۳۳۸.

۳۵. نسخه خطی دیوان میرزا احمد صبور در اختیار جناب آقای زین‌العابدین مومنی قرار دارد که نگارنده این کتاب را از نزدیک دیده و توفیق نمود. این نسخه خطی در حال حاضر به زبور طبع آورده نشده است.

۳۶. لشکران، از شهرهای آذربایجان شوروی، بنگرید به: راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری بالیک، تهران، سازمان جغرافیایی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶.

۳۷. حاشیه صده اول از نسخه خطی دیوان میرزا احمد صبور که در اختیار جناب آقای زین‌العابدین مومنی قرار دارد.

۳۸. برگرفته از دستنوشته‌ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین‌العابدین مومنی.

۳۹. محمود خان ملک الشعراء فرزند محمدحسین خان غنایب، ملک الشعراء دربار محمدشاه قاجار و نیره فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء، فتحعلی شاه دخت است که در سال ۱۲۲۸ ق. در تهران پیش به جهان گشود. و علوم متداول زاده محضر عموی دانشمندش، محمد قاسم خان قزوچی گرفت و به تصریح تذکره‌های این دوره در علم و ادب و هنر سرآمد ایران شد و با سرودن تصدیق‌ای در مدح حاجی میرزا آقاسی، به دیوار راه یافت، و به مستشاری و الله‌قلی خان ایلخانی، حاکم بروجرد و لرستان منصوب شد ... در زمان ناصرالدین به دربار راه یافت و مرتبه ملک الشعراء یافت. در همین منصب ماند تا در سال ۱۳۱۱ ق. تر گذشت. محمودخان علاوه بر هنر شاعری، در خط و نقاشی و منبت کاری و دیگر هنرهای طریقه مهارت داشته و تابلوهای نقاشی او با امضای بنده آستان محمود در موزه کاخ گلستان حکایت از ایران مهارت او دارد ... بنگرید به: احمد خانمی، تاریخ ادبیات ایران دوره بازگشت ادبی ... تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، ۱۳۷۴، ج دوم، ص ۳۶۶.

۴۰. دیوان خطی میرزا احمد صبور، همان.

۴۱. به گفته جناب آقای زین‌العابدین مومنی که به یکی از عکسهای خانوادگی خود استناد می‌کردند. نگه‌داری بیماران در منزل شخصی، با بهبودی کامل را از خرافات مرحوم مومنی الاطباء می‌دانستند در عکس مورد اشاره زین‌العابدین طبیب همواره نامه فرزند خود دیده می‌شود که روی پای او طفلی اقیح تشنه که مومنی الاطباء این طفل را برای معالجه در خانه خود نگهداری می‌کرده و همچون فرزندان خود به او مهر می‌ورزیده است.

۴۲. راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، بیمارستانها و ... همان.

۴۳. گنجینه دارو و درمان، ص ۱۹۵، به نقل از راهنمای دانشکده پزشکی، همان، ص ۵۴.

۴۴. میرزا ابوالحسن جان بهرامی فرزند میرزا عبدالوهاب تفرشی است که در سال ۱۲۶۱ ق. در طرخوران تفرش به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در ۱۲۸۰ ق. وارد شعبه طب مدرسه دارالفنون شد و در سال ۱۲۹۱ ق. فارغ‌التحصیل

گردید. وی برای چندین بار به معلمی مدرسه طب انتخاب گردید. ولی بیشتر به خدمات دولتی از قبیل مبارزه با بیماری طاعون در رشت و مأموریت آذربایجان اشتغال داشته است. وی مدتی نیز به ریاست مریضخانه دولتی (بیمارستان ابن‌سینا) منصوب گردید.

۴۵. راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، بیمارستانها و ... ص ۵۴ و ۵۵.

۴۶. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، سندی است با شماره تنظیم و بانک ۶۱۰۰۱.۳۵۱۸

۴۷. اقتصادالسلطنه، علی‌قلی خان، پنجاه و چهارمین پسر فتحعلی شاه، در حدود سال ۱۲۳۶ ق. از بطن گل‌پیر خان خانم گرجی، پنجاه و دومین پسر فتحعلی شاه به دنیا آمد. علی‌قلی خان از جوانانی به اموختن دانش شوی و ریخت تمام داشت همواره از خواندن و نوشتن نمی‌انود و به کتاب چندان مانوس شده بود که آن را از خود جدا و رها نمی‌کرد ... مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه چون از دانش بسیار و فروتنی و وفاداری علی‌قلی خان آگاه شد او را به پیشکاری و ندسی و دزیری خویش برگزید و میان این دو روابطی سخت دوستانه و ناگسستی ایجاد شد. بعد از این از تشکیل دارالفنون اقتصادالسلطنه از سوی ناصرالدین شاه مأمور شد که با کمک میرزا امین‌خان و کریم‌خان آرشو و سایرین نصب و دایر کردن تلگراف را در تهران فراهم آورد. از کارهای مهم اقتصادالسلطنه که در تاریخ ۱۲۷۵ ق. صورت پذیرفت کشیدن خط تلگراف از پایتخت به سلطانیه است که بخاطر تقایر از این خدمت شاه به او جوایزی مخصوص مرحمت و او را وزیر علوم کرد ... همچنین وی در سال ۱۲۸۷ ق. از سوی شاه به عضویت دارالشورای دولتی درآمد. باری اقتصادالسلطنه با وجود وظایف سنگین و گوناگونی که شاه به او سپرده بود در نظر داشت دایره‌المعارف جامع و معتبری تألیف و طبع کند که عموماً کفایت نداد و سرانجام وی پس از بیست و دو سال وزارت روز عاشورای ۱۲۸۹ ق. درگذشت و در یکی از حجره‌های جنب مزار حضرت عبدالعظیم به خاک رفت. از او آثار بی‌شمار چون فنک‌السعاده، الطبقات المفضلیین، تاریخ افغانستان، رساله‌ای در علم موسیقی، التکید للتاریخ و رسالاتی در شرح اصول حضرت عبدالعظیم، انام‌الاراده حمزه، انام‌الاراده عبدالله به جای مانده است. بنگرید به: آقباقر یغمایی، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

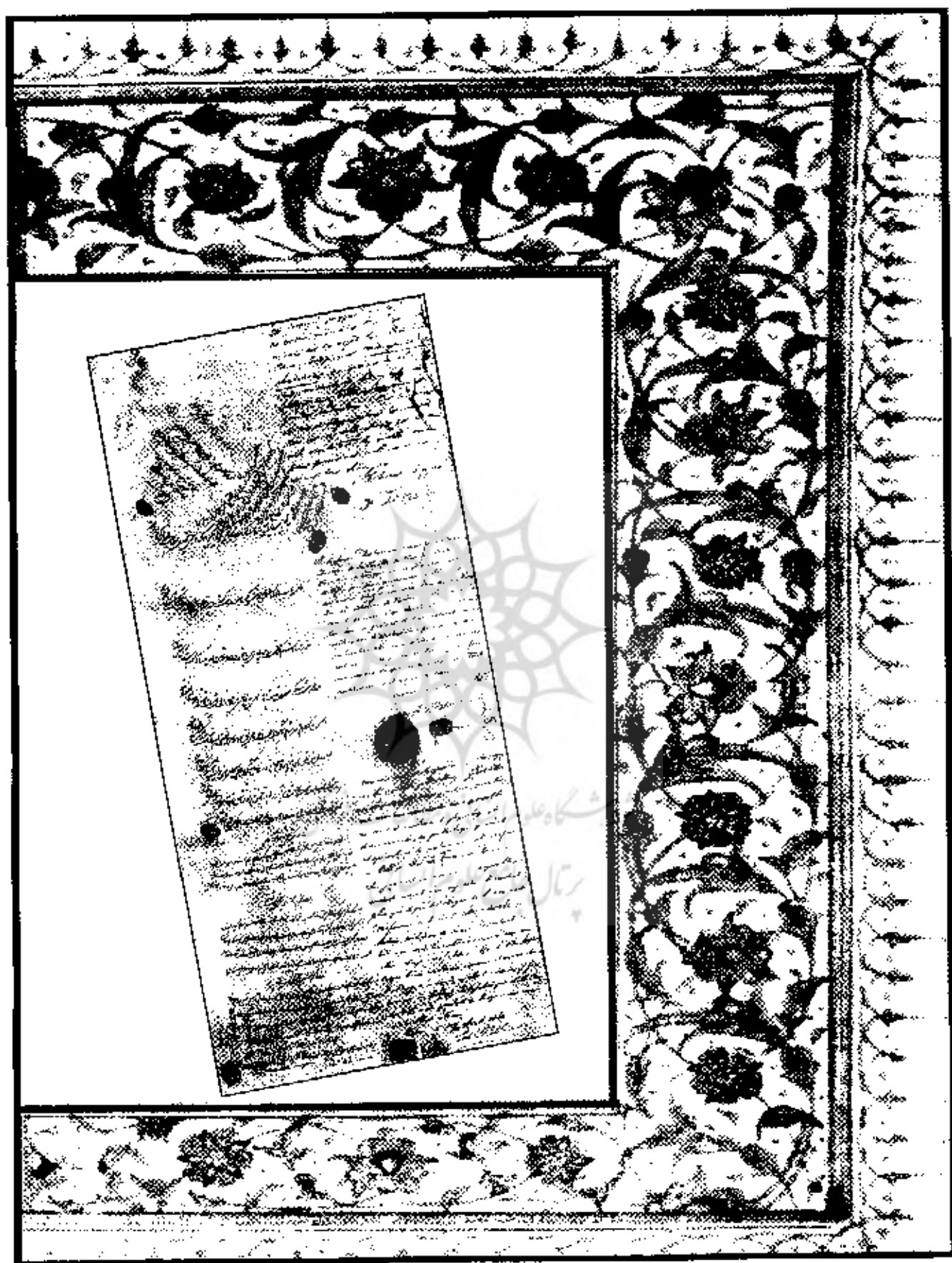
۴۸. این سند تصدیق‌نامه طبابت مومنی الاطباء محسوب می‌شود که با عنایت جناب آقای مومنی نو ذین‌العابدین خان مومنی اطباء در اختیار می‌گردد و تصویر آن نیز به سازمان اسناد ملی ایران اهداء شد.

۴۹. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوطه مومنی الاطباء. در متن سند خط سیاق ضربه کار رفته بود که در حین بازبینی سند به جای آن نقطه چین گذاشته و خط سیاق خوانده نشده است.

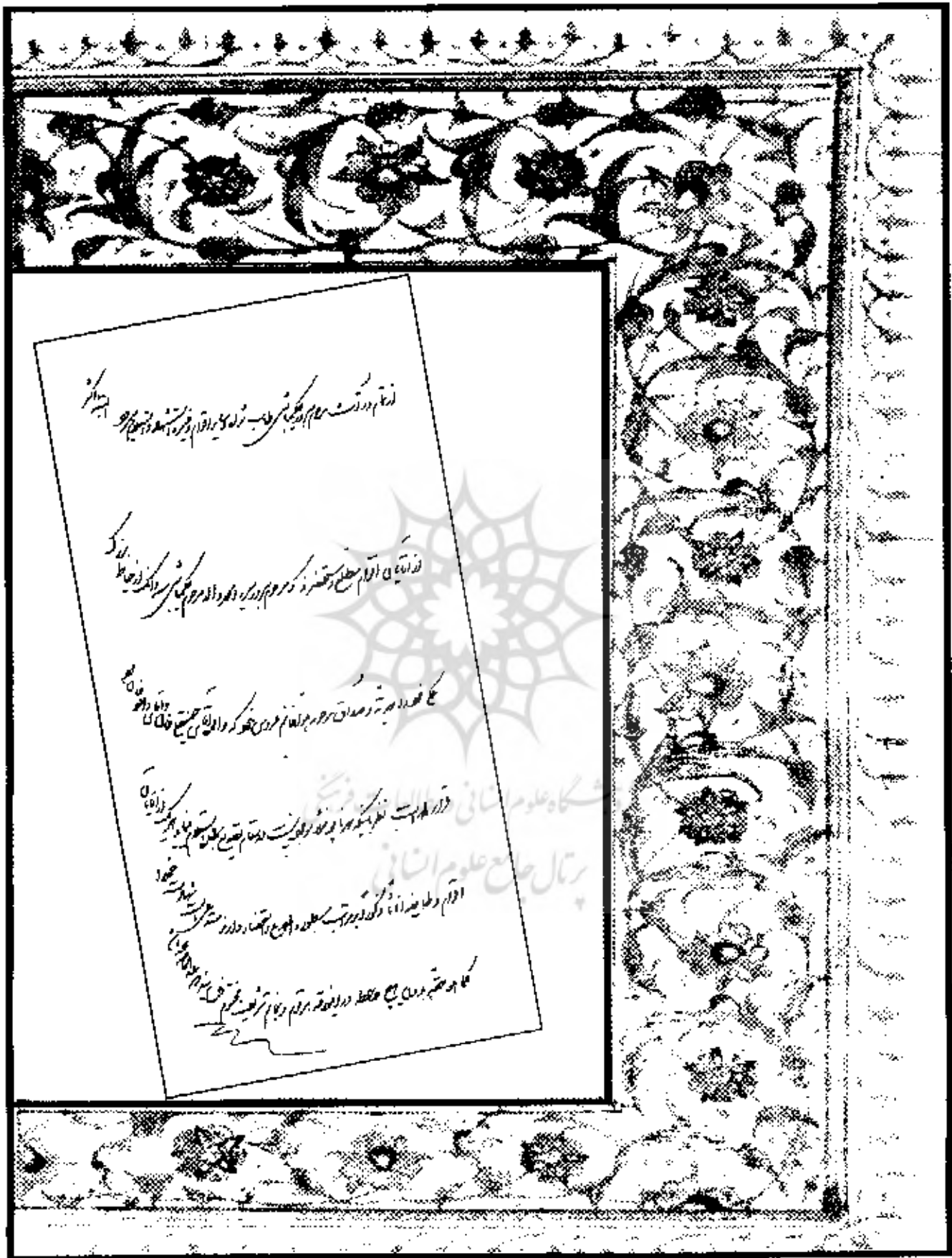
۵۰. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوطه مومنی الاطباء تاریخ سند مشخص نیست.

۵۱. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، همان، سند مازالتبصیحه‌ای است که در عصر رضاشاه ۱۳۱۸ ق. بین افراد خانوادگی و بارماندگان مومنی الاطباء اهداء شده است.

یادکرد: در پایان بر خود فروض می‌دانم که از جناب آقای زین‌العابدین مومنی نو مرحوم زین‌العابدین مومنی الاطباء که مال سید، گنجی و استادان قلمی خود را تقدیم دارم. ایشان از اساتید و معینین دانشروز و فاضل آموزش و پرورش و دانشورانی عالی بوده‌اند و تابعان و درین هم در زمینه ادبیات ایران، به جامعه علم و تحقیق عرضه داشته‌اند. هم‌اکنون ایران باسوسی حدود ۸۷ سال در کسوت بازسازی به سر می‌برد و در حفظ آثار و اسناد تاریخی خانوادگی خویش تلاش و همت و صفت ناپذیری از خود نشان داده‌اند. گفتمی است که بواقی تنظیم این معارف، اطلاعات، اسناد و عکس‌ها نیز از کام جناب مومنی در اختیار نگارنده قرار دادند، بسیار حائمی و حائز اهمیت بود. جدا از آن محقق و استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمود روح‌الامینی که زمینه آشنایی این جناب را با کتاب آقای زین‌العابدین مومنی فراهم آوردند که آنرا تشکر را بفرمایم. از خانواده مهربان سلامت و سعادت آن نورگواران را خواستارم.







لنقام در دست تمام کویکین شرفی برب زلاله ای اقامه فرمودند و تهنیت و تبریک

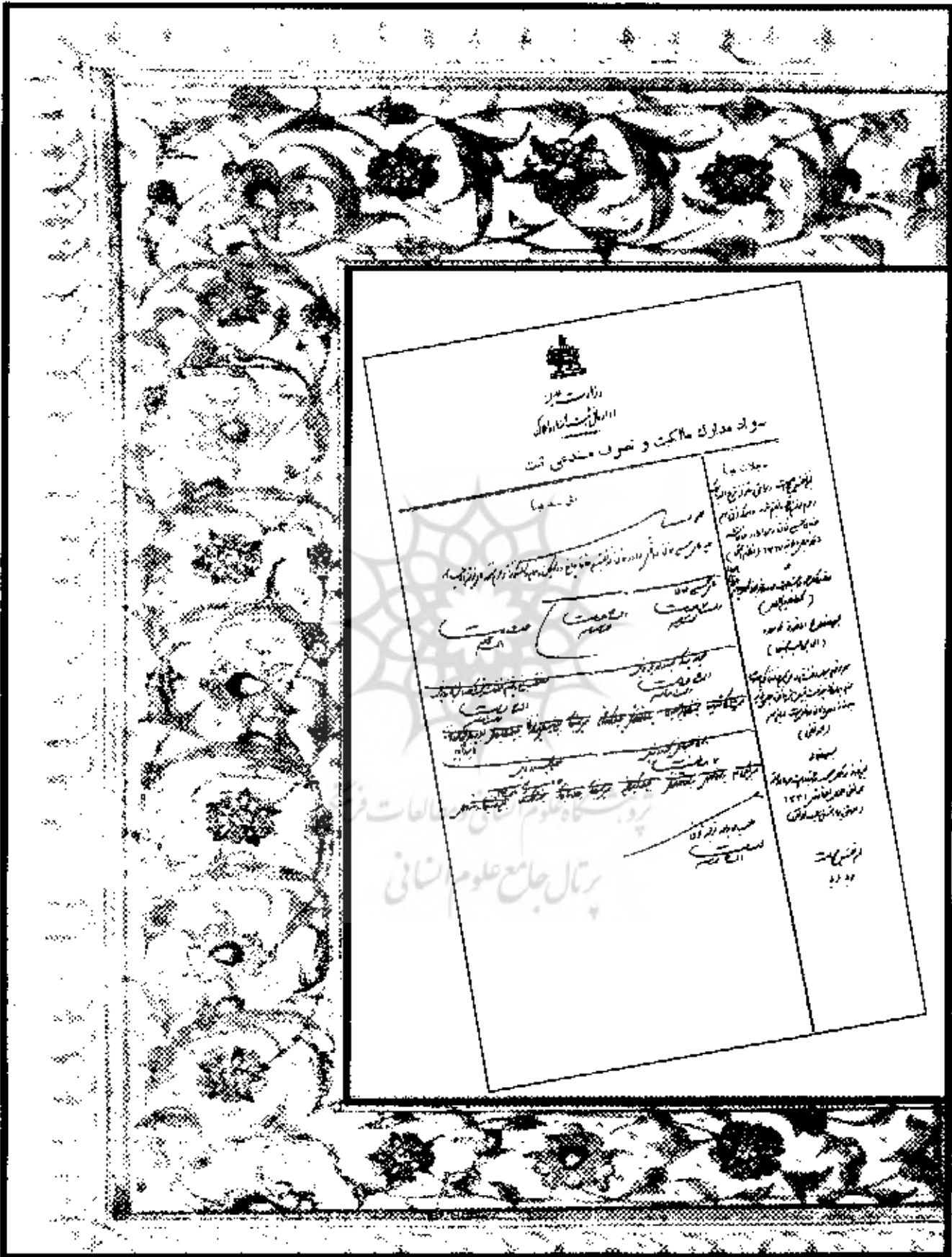
ذاتی و اقامه صلح و تقاضای در مردم کرد و کوه و اقامه مردمی شرفی کردند و تبریک


کجا خود را در تصدق مردم در تمام مردم خود کرد و اقامه صلح و تقاضای در مردمی

فرمودند و اقامه صلح و تقاضای در مردمی و اقامه صلح و تقاضای در مردمی

اقامه صلح و تقاضای در مردمی و اقامه صلح و تقاضای در مردمی


کجا خود را در تصدق مردم در تمام مردم خود کرد و اقامه صلح و تقاضای در مردمی



  
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سواد مدارک مالکیت و تصوف سندھی ثبت

نام سند	ملاحظات
<p>موسسه</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>	<p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>
<p>موسسه</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>	<p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>
<p>موسسه</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>	<p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>
<p>موسسه</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>	<p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p> <p>موسسه تخصصی زبان و ادبیات فارسی</p>

تاریخ ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۱  
 شماره ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۱  
 امضاء:   
 ۱۳۸۵

